

## سخن مدیر مسوول

دکتر عباس افراه



این شرکت ها که بیشتر در پی سود آنی هستند، نه تنها به درد جامعه نمی خورند ، بلکه در درازمدت نیز بی گمان به زیان خود کار می کنند.

روز به روز و با هر پیشرفت، وابستگی با شرکت های گوناگون بیشتر و بیشتر می شود. مشکل بنیادی آزمایشگاه ها با این شرکت ها، تا هنگامی که آنان نیز دارای یک سازمان مسوول صنف همانند نظام پزشکی و یا نظام مهندسی نشوند، که بتواند همه ی اقدام ها را زیر کنترل خود داشته باشد، حل نمی شود.

امروزه هرگاه مشکلی با این شرکت ها پیش آید، جایی برای داد خواهی وجود ندارد. هیچ فریادرسی نیست.

گرفتاری آزمایشگاه ها با برخی شرکت ها فراوان است. در این باره آزمایشگاهی نیست که به گونه ای از این شرکت ها زیان ندیده باشد. از نمونه های ناهجاری که بیشتر به چشم می خورد می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ماراتن تجهیز آزمایشگاه به دستگاه های روز به راستی نفس گیر است. سنگینی هزینه های خرید دستگاه ها و سرویس پس از فروش و تحمیل هزینه های غیر ضروری از سوی سازمان ها ، افاق و دورنمای کار را نا روشن ساخته است.

در بسیاری از آزمایشگاه ها ، انگیزه وامید به آینده کم شده است. در زمینه ی واردات ، بیشتر دستگاه ها به شکل بازسازی شده و یا ساخت کشورهای درجه دوم است. دستگاه های اساسی با طراحی تازه ی کشورهای درجه یک بسیار گران است. کیت های مربوطه هم چند برابر کیت های آزاد است.

گرچه بیشتر کالاهای تحت تحریم وارد می شود، مساله ی تحریم هم بهترین بهانه برای گران فروختن است. اندکی از شرکت ها که شوربختانه نمایندگی هایی هم از شرکت های خوش نام دارند، به راستی در دسر زا هستند.

تصور کنید، برپایه اطمینان به سخنان یک شرکت، قرارداد یک پروژه تحقیقاتی ببندید. پس از یک هفته و درمیانه ی کار دستگاه تازه دچار سگته شود، و مهندسان شرکتی که خود سازنده آن هستند، از عهده برطرف کردن اشکال برنمایند. چه کار باید کرد؟

باید خیلی زود یک دستگاه (این بار خارجی) خریدتا بتوان از شرمندگی بیماران درآمد. اما خرید دستگاه نیاز به پول دارد، و پول شما در نزد آن شرکت بلوکه است.

آزمایشگاه ناگزیر است برای خرید دستگاهی دیگر زیر بار قرض برود.

- و سرانجام باید از بدترین پدیده یاد کرد، یعنی دادن مواد ارزان و نامرغوب به جای اصل و استاندارد.

گرچه گفتار بالا سراسر واقعی و نا امید کننده است، ولی شرکت های خدمتگزار و با منش نیز کم نیستند.

بی گمان اگر این شرکت ها نبودند، هیچ آزمایشگاهی قادر به ادامه کار نبود. هنوز شرکت هایی هستند که هرگز از چهار چوب انسانی و اجتماعی نمی لغزند. مدت ها بود این گفتار را می خواستم به چاپ برسانم. ناخواسته با شماره ی نوزدهم و همچنین کنگره ارتقاء کیفیت همزمان شد.

به هر روی، به راستی هنگامی که یاد شرکت های دهه ی شصت می افتم، که با وجود جنگ و تحریم، بهترین خدمات را به آزمایشگاه ها می دادند و آنان را با برخی از شرکت های امروزی، مقایسه می کنم مضطرب و دچار افسردگی می شوم.

در هر حال امیدوارم که در سال نود هیچ یک از ناهنجاری یاد شده ی بالا در میان نباشد، و جامعه آزمایشگاهی در اوج شادمانی در خدمت نیازمندان گرامی باشند.

سال نو بر همه ی همکاران شریف و خدمتگزار خجسته باد.

- پس از فروش، با وجود قرار داد به تعهدات خود عمل نمی کنند.

- برای سرویسی که جزء وارنتی است، به بهانه هایی هزینه دریافت می کنند

- شماری از شرکت ها یک نفر سرویس کار دارند. او هم چندان دل به کار نمی دهد، و در صدد یافتن کار بهتری است.

- پس از این که شرکت چندین دستگاه فروخت و چند آزمایشگاه را وابسته به خود کرد، شرکت دچار انشعاب می شود. یک یا دو نفر از همکاران آن شرکت، یک شرکت دیگر راه اندازی می کنند.

در اینجا هیچ کدام از شرکا زیر بار تعهدات پیشین نمی رود و تهیه ی قطعه برای دستگاه خریداری شده هم حکم کیمیا پیدا می کند.

البته سرانجام برای ادامه ی کار با این دستگاه؛ باید از خیر دوبخش شرکت، چه قدیم و چه جدید گذشت و دنبال یک سرویس کار با هزینه ی بیشتری گشت.

اگر مسوول آزمایشگاه ناشکیبا و حوصله این فرایند نداشته باشد، دوباره زیر بار خرید یک دستگاه تازه از یک شرکت تازه تر می رود.

این چرخه هر سه یا چهار سال یک بار تکرار می شود.

- در برخورد با ارباب و یا سرویس کار اندکی از شرکت ها، که از بدشانسی آزمایشگاه ها نماینده انحصاری دستگاه های دانش نوین هستند، باید مسلح به علوم روانشناسی و جامعه شناسی بالینی بود. زیرا منش و چهار چوب حرفه ای در بین نیست، و مسوول آزمایشگاه در برابر آنان حیران و سرگردان است.

- اندکی هم از شرکت ها، هنوز عادت تقلب زمان دانش آموزی را فراموش نکرده اند. مرتب با پاک کن تاریخ های کیت ها را پاک و تغییر می دهند.

- دو سه تا از شرکت ها، پیش از تحویل دستگاه همه قیمت و یا بخشی از آن می گیرند. اگر پس از تحویل، دستگاه مورد پسند قرار نگیرد، پس گرفتن پول به راستی دشوار است.